سرمقاله: آیا اهداف مذکور در اساسنامه اوپک هنوز معتبر است؟ به بهانه اجلاس سران اوپک

حسن تاش، سید غلامحسین

سرمقاله: آیا اهداف مذکور در اساسنامه‏ سازمان اوپک هنوز معتبر است؟

به بهانه اجلاس سران اوپک

در زمانی که این شماره نشریه و طبعا مقاله حاضر به دست چاپ سپرده‏ می‏شود هنوز اطلاعی از دومین اجلاس سران کشورهای عضو اوپک در دست نیست و براساس برنامه‏ریزی که داشته‏ایم انتشار این شماره با برگزاری اجلاس مذکور همزمان خواهد شد.اما حسب اطلاعات اولیه که‏ دریافت نموده‏ایم،دومین اجلاس سران اوپک بازنگری و تجدیدنظری در رابطه با اهداف مذکور در اساسنامه این سازمان که چهل سال پیش نگاشته‏ شده است نخواهد داشت و احتمالا در پیش‏نویس بیانه اجلاس مذکور اصول و اهداف سازمان به همان صورتی که چهل سال قبل در اساسنامه‏ سازمان قید گردیده مورد تأیید مجدد قرار گرفته است.لذا بی‏مناسبت‏ ندانستیم که به کنکاش و نقد و بررسی این مقوله بپردازیم و بررسی کنیم که‏ آیا واقعا اصول و اهدافی که چهل سال پیش و در فضا و شرایط جهانی کاملا متفاوت با امروز تنظیم شده است هنوز می‏تواند از اعتبار و روائی لازم‏ برخوردار باشد و اگرنه چه عاملی موجب می‏شود که سازمان اوپک به‏ تجدیدنظر در این اصول و اهداف نمی‏پردازند؟

اصول و اهداف مذکور در مواد 2 و 4 از فصل اول اساسنامه سازمان‏ اوپک به شرح زیر است:

ماده 2:

الف:هدف اصلی سازمان ایجاد هماهنگی و وحدت در خطمشی‏های‏ نفتی کشورهای عضو و تعیین بهترین شیوه‏ها برای تأمین منافع فردی و جمعی آنان خواهد بود.

ب:سازمان،روشها و وسایل تأمین تثبیت قیمتها در بازارهای‏ بین المللی نفت را با امعان به حذف نوسانات مضر و غیرضروری پیش‏بینی‏ خواهد نمود.

ج:مصالح ملتهای تولیدکننده و ضرورت تضمین درآمدی ثابت برای‏ کشورهای تولیدکننده،عرضه کافی اقتصادی و منظم نفت به ملتهای‏ مصرف‏کننده و یک بازده منصفانه به سرمایه آنها که در صنعت نفت‏ سرمایه‏گذاری می‏کنند،همواره مورد توجه مقتضی واقع خواهد شد.

ماده 4:

چنانچه در نتیجه اجرای هرگونه تصمیم سازمان،تحریم مستقیم یا غیر مستقیم توسط هرشرکت یا شرکتهای ذینفع علیه یک کشور عضو یا بیشتر اعمال شود،هیچ عضو دیگر هیچگونه پیشنهاد معامله منفعت‏جویانه‏ای‏ را چه به صورت افزایش صادرات-نفت یا افزایش قیمتها که ممکن است از طرف چنین شرکت یا شرکتهای ذینفع به منظور ممانعت از اجرای تصمیم‏ سازمان به آن ارائه گردد،نخواهد پذیرفت.

همانطور که ملاحظه می‏شود بسیاری از اهداف و اصول مذکور مربوط به شرایط سالهای 1960 می‏باشد شرایطی که تقابل کاملی میان منافع‏ کشورهای صاحب نفت و شرکتهای نفتی وجود داشت.در حالی که اکنون‏ این موضوع منتفی است و این رویارویی از بین رفته و شرایط دگرگون شده‏ است و امروز اوپک با کشورهای اصلی مصرف‏کننده که در غالب IEA سازمان یافته‏اند روبروست.در این رابطه موارد زیر در رابطه با اصول و اهداف اوپک قابل طرح است:

1-مرور تاریخ اوپک و عواملی که زمینه‏ساز تأسیس این سازمان شد به خوبی نشان می‏دهد که بنیان‏گذاری اوپک هرگز در جهت تقابل با مصرف‏کنندگان نفت نبود بلکه اوپک برای هماهنگی در مقابله ظلم و زور شرکتهای نفتی به وجود آمد.شرکتهای نفتی با پایین نگهداشتن بیش از حد قیمت نفت و با بالا نشان دادن هزینه‏های تولید،عایدات کشورهای صاحب‏ نفت که در غالب قراردادهای Royality محاسبه می‏شد را به حداقل ممکن‏ رسانده بودند اقدام یکجانبه بر علیه شرکت‏های نیز ناممکن و یا بسیار دشوار بود چرا که صنایع نفت این کشورهای کاملا توسط شرکتها کنترل می‏شد و نیز کشورها کماکان به سرمایه و تکنولوژی شرکتها نیاز داشتند و اگر یک کشور خاص به تنهایی شرایط سخت‏تر(یا در واقع عادلانه‏تر)را در مقابل شرکتها قرار می‏داد طبعا شرکتهای سرمایه و تکنولوژی خود را به جای دیگری منتقل‏ می‏کردند بنابراین برخورد یکپارچه و هماهنگ مورد نیاز بود که این مسئله‏ به روشنی در ماده 4 اساسنامه منعکس است و همانگونه که اشاره شد امروز چنین مسئله‏ای حداقل به عنوان مسئله اصلی وجود ندارد.

2-در بند(ج)ماده 2 بر ضرروت تضمین یک بازده منصفانه به سرمایه‏ آنها که در صنعت نفت،سرمایه‏گذاری می‏نمایند تأکید گردیده است و این در حالی است که برطبق بند(الف)،هدف اصلی سازمان در کل،تأمین منافع‏ فردی و جمعی کشورهای عضو می‏باشد.پس دلیلی وجود ندارد که‏ سازمان که برای حفظ و دفاع از منافع کشورهای تولیدکننده نفت عضو بوجود آمده است بر تأمین منافع و بازده ثابت برای جبهه مقابل تأکید نماید و این موضوع که آیا شرکتهای نفتی نفع می‏برند یا نمی‏برند،هیچ ارتباطی به‏ سازمانی که برای دفاع از منافع تولیدکنندگان به وجود آمده است،ندارد خصوصا اینکه در چارچوب اقتصاد آزاد،بهینگی در شرایط رقابت حاصل‏ می‏شود و باید هرطرف در تلاش حداکثر کردن و تضمین منافع خود باشد تا بهینگی حاصل شود و در هرحال امروزه قواعد کار تعریف شده و مشخص‏ است و چنین موضوعیتی وجود ندارد.

3-همانگونه که اشاره شد اوپک به هیچ‏وجه در مسیر مقابله با کشورهای مصرف‏کننده به وجود نیامد ولی متأسفانه آژانس بین المللی‏ انرژی IEA با محوریت آمریکا در جهت مقابله با کشورهای اوپک و مهار ایشان شکل گرفت و به همین دلیل برخی از کشورهای صنعتی که روابط دوستانه‏ای با اعضاء اوپک دشاتند از ابتدا حاضر به حضور در آژانس مذکور نبودند و ضرورت گفتگوی بین تولیدکنندگان و مصرف‏کنندگان را مطرح‏ می‏کردند که این ضرورت همواره مورد مخالفت آمریکا بوده و آمریکایی‏ها تلاش داشته‏اند که تولید نفت اوپک را به طور غیرمستقیم و در شرایط انفعال اعضاء اوپک اداره نمایند و تجربه نشان داده است که این سیاست‏ موفق نبوده است و اعضاء اوپک باید در جهت ایجاد تفاهم و مسالمت با مصرف‏کنندگان حرکت نمایند.

4-مسئله ثابت قیمتها که در اهداف اولیه اوپک آمده است اکنون با توجه به بازارهای آتی و کاغذی و همچنین افت‏وخیزهای شدید قیمتها دیگر معنی‏دار نیست و به جای آن باید منطقی کردن قیمتها و محدود کردن‏ محدوده نوسانات آن مدنظر باشد.

5-حداکثر کردن درآمد با عرضه کافی در تناقض است زیرا در برخی‏ موارد لازم است جهت رسیدن به حداکثر درآمد عرضه کم شود.در بند(ب) ماده 2 بر«تثبیت قیمتها در بازارهای بین المللی نفت»و بند(ج)ماده 2 بر ضرورت«عرضه کافی اقتصادی و منظم نفت به ملتهای مصرف‏کننده»تأکید گردیده است.در حالی که«تثبیت قیمت نفت»با«عرضه کافی نفت»و«به‏ صورت منظم»در بسیاری از شرایط،ممکن است قابل جمع نباشند چرا که:قیمت نفت تابع عرضه و تقاضا می‏باشد و تغییر در عرضه و تقاضا موجب تغییر و نوسانات در قیمت خواهد گردید.به عنوان مثال اگر در یک‏ کشور غیرعضو اوپک،نفت جدیدی اکتشاف و تولید شود،این موجب بالا رفتن عرضه می‏گردد در حالیکه تقاضا ممکن است همچنان ثابت باشد پس‏ بالطبع بهای نفت کاهش می‏یابد.در شرایط مذکور اوپک اگر بخواهد قیمت‏ نفت ثابت و بدون نوسان باقی بماند(مطابق بند ب)باید عرضه را کاهش‏ دهد،که این موجب نقض بند ج که بر عرضه کافی و منظم تأکید دارد می‏گردد.و از طرفی دیگر اگر اوپک به موجب بند(ج)به«عرضه کافی‏ اقتصادی و منظم نفت»ادامه دهد با توجه به عرضه افزون از تقاضا،بهای‏ نفت کاهش خواهد یافت که این متناقض با بند(ب)که بر«تثبیت قیمت‏ نفت»تأکید دارد،می‏باشد.اشکال اساسی در اینجاست که تعریف روشنی از عرضه کافی نیز ارائه نگردیده است.

6-در بند(ج)ماده 2 بر«ضرورت تضمین درآمد ثابت برای کشورهای‏ تولیدکننده نفت»تأکید شده است این اصل نیز دچار مشکلات درونی و دچار تعارض با سایر اصول است.تجربه چهل سال گذشته حاکی از در نوسان بودن قیمت نفت به طور دائمی است مطابق این اصل هرزمان که به‏ هردلیل قیمت‏ها پایین می‏آیند علی الاصول برای حفظ میزان درآمد که‏ حاصلضرب مقدار تولید و قیمت است یا باید میزان تولید افزایش یابد که در این صورت قیمت‏ها بیش‏ازپیش سقوط خواهند کرد و این مخالف منافع‏ اعضاء اوپک خواهد بود و یا باید قیمت افزایش یابد که این مسئله مستلزم‏ کاهش تولید و عرضه است که در این صورت این رفتار با مفاد ادامه همین‏ بند(بند ج ماده 2)که به عرضه کافی و منظم اشاره دارد و تعارض قرار خواهد گرفت.علاوه بر این همانگونه که اشاره شد تاریخ چهل ساله اوپک‏ نشان می‏دهد که خصوصا در شرایط انفکاک تصمیمات تولیدکنندگان و مصرف‏کنندگان تضمین درآمد ثابت برای تولیدکنندگان نفت غیرممکن است‏ و این کشورها مجبورند مشکلات اقتصادی خود را به گونه دیگری حل کنند و برای حفظ ثبات در برنامه‏ریزی و اقتصاد داخلی خود و به منظور جلوگیری از تأثیر نوسانات جهانی قیمت نفت بر اقتصاد خود از مکانیزمهایی‏ مانند ایجاد صندوق ذخیره با بیمه نفت بهره گیرند.

7-در اصول و اهداف اولیه سازمان اوپک به نفت به عنوان یک کالا مستقل نگریسته شده است در صورتی که در شرایط امروز جهان به نفت به عنوان‏ یکی از حاملهای انرژی توجه می‏شود و مسائل نفت را بدون توجه به جایگاه‏ آن در سبد انرژی جهان نمی‏توان به طور مطلوب بررسی و حل و فصل نمود.

8-در اصول و اهداف سازمان هیچ اشاره‏ای به مسئله«سهم بازار» وجود ندارد و این در حالیست که حداقل در طول دو دهه اخیر مسئله سهم‏ بازار چه از نظر سهم نفت در سبد انرژی جهان در مقابل سایر حامل‏های‏ انرژی و چه از نظر سهم تولید نفت اوپک در مقابل سایر تولیدکنندگان نفت، عملا همواره مورد توجه سازمان اوپک بوده است.

9-در اصول و اهداف سازمان اشاره‏ای به مسائل مهم و جدیدی مانند مسئله محیطزیست و پدیده جهانی شدن اقتصاد که رویاروی جهان معاصر وجود داشته و کاملا بر سمائل نفت مؤثر هستند وجود ندارد،چرا که در سالهای تدوین این اصول و اهداف اصولا چنین مسائلی مطرح نبوده است.

10-مسائلی مانند بازارهای بورس نفت و ذخایر استراتژیک پدیده‏های‏ هستند که اصولا در زمان تأسیس اوپک وجود نداشته‏اند و محصول دهه‏ هفتاد هستند و هم‏اینک از تأثیرات قبال توجهی بر بازار نفت برخوردارند و در اساسنامه اوپک هیچ‏گونه اشاره‏ای به این پدیده‏ها وجود ندارد.

همانگونه که ملاحظه می‏شود اصول و اهداف اوپک نیازمند تجدیدنظر اساسی است اما عواملی که موجب می‏شود که سازمان به تجدیدنظر در این‏ اصول و اهداف نپردازد این است که:

اولا-مکانیزم اتفاق آراء که در سیستم تصمیم‏گیری اوپک وجود دارد رسیدن به توافق در رابطه با مسائل اساسی و جدی را با دشواری مواجه‏ کرده است.کمتر اتفاق می‏افتد که همه اعضاء بر یک موضوع اتفاق‏نظر داشته باشند و خصوصا این مشکل در رابطه با مسائلی که آثار و تبعات‏ گسترده و طولانی مدت دارد مؤثرتر و جدی‏تر است و تصمیمات اوپک را دچار روزمرگی می‏نماید.

ثانیا عامل همگرائی در میان جمیع اعضاء اوپک تقریبا به عامل نفت‏ محدود می‏گردد و برعکس واگرائی فراوانند و این مسئله نیز رسیدن‏ به تصمیمات جدی با آثار و تبعات اساسی و بلندمدت را دشوار می‏سازد.

واقعیتهای فوق تدریجا تمامی اعضاء و دست‏اندرکاران اوپک را دچار محافظه‏کاری،تلاش در جهت حفظ وضع موجود و اجتناب از تغییر نموده‏ است.

اهداف پیشنهادی برای اوپک

بدون شک حصول به تدوین اصول و اهداف جدید برای سازمان اوپک‏ نیاز به بحث و بررسی گسترده و احیانا برگزاری کنفرانسهایی در سطح‏ کارشناسان و مسئولین کلیه کشورهای عضو دارد اما در اینجا صرفا جهت‏ اینکه فتح بابی کرده باشیم و با توجه به تحولات بین المللی و مقتضیات قرن‏ جدید برخی اصول و اهداف را به شرح ذیل برای اوپک پیشنهاد نموده‏ایم:

1)همکاری و هماهنگی در سیاستهای نفتی کشورهای عضو و تعیین‏ بهترین راه‏ها برای تأمین منافع اعضاء در بازارهای جهانی انرژی و نفت.

2)تلاش در جهت دستیابی بلندمدت به سهم بازاری مناسب در ترکیب‏ انرژی و تولید نفت جهان با در نظر گرفتن میزان ذخایر نفت و گاز،نیازهای‏ سرمایه‏گذاری،مسائل زیست‏محیطی و...از طریق تدوین استراتژیهای‏ جامع و بلندمدت.

3)تلاش در جهت منطقی نمودن قیمتها در بازار جهانی نفت

خبری از انجمن بین المللی‏ اقتصاد انرژی

ضوابط انتخاب مشاوران رئیس انجمن بین المللی اقتصاد انرژی

در جلسه اخیر انجمن بین المللی اقتصاد انرژی ( IAEE ) در شهر سیدنی‏ استرالیا،انجمن مذکور جهت برگزیدن دو دانشجو به عنوان مشاوران رئیس‏ رأی‏گیری نمود.هدف انجمن نشان دادن عملکرد سازمان برای دانشجویان‏ و نیز جویاشدن توصیه و راهنمایی ایشان در مورد موضوعاتی است که در مجموع بر کارآیی سازمان تأثیر می‏گذارد.دو دانشجوی انتخابی کاملا توسط IAEE تحت حمایت مالی قرار می‏گیرند.ضوابط انتخاب مشاوران رییس‏ انجمن عبارتند از:

-پذیرفته شده به طور تمام‏وقت در دوره دکتری اقتصاد انرژی،رشته‏ اقتصاد با تأکید بر موضوعات وابسته به انرژی،یا دیگر زمینه‏های مرتبط با انرژی.ارائه یک نامه از مؤسسه تحصیلی که نشان‏دهنده رشته تحصیلی‏ فعلی دانشجو و مقطعی که توسط آن دنبال می‏شود،باشد.

-ارائه توصیه‏نامه از جانب مشاوران اصلی دانشکده دانشجو با ذکر مشخصه‏های مهمی که تضمین می‏نماید صلاحیت داوطلب به دقت مورد بررسی قرار گرفته است.

-ارائه توصیه‏نامه از رئیس انجمن وابسته به IAEE با ذکر تعداد دفعات حضور دانشجو در جلسات انجمن مذکور و نیز بیان هرویژگی‏ دیگری از متقاضی که درخور اهمیت می‏باشد.

همچنین امتیازات برگزیدگان این انجمن شامل:

-قرار گرفتن در جریان عملکرد داخلی انجمن

-ایجاد ارتباط با برخی از مهمترین اقتصاددان برجسته انرژی

-تأمین سفرهای هوایی،سکونت در هتل،هزینه نقل و انتقالات‏ زمینی،حق ثبت‏نام و وعده‏های غذایی در طی جلسات سالیانه انجمن. وظایف این مشاوران نیز عبارت است:

-شرکت در دو جلسه سالیانه انجمن IAEE .

-شرکت در کنفرانس‏های بین المللی در جایی که جلسه انجمن برگزار می‏گردد.

-تقبل کردن سخنرانی و یا رئیس جلسه در یک یا چند کنفرانس‏ بین المللی یا منطقه‏ای انجمن که هرساله برگزار می‏گردد.

-ارائه یک یا دو مقاله برای انتشار سالیانه در مجله IAEE موضوعات‏ مقاله بایستی مرتبط با موضوع تحقیق کنونی دانشجو در زمینه اقتصاد انرژی‏ باشد.

دو دانشجوی مذکور تنها برای مدت یکسال در این سمت باقی‏ می‏مانند.زمان معرفی حائزین شرایط برای معرفی به مدیر اجرایی انجمن‏ برای سال 2001 میلادی تا 31 اوت 2000 بوده است و اسامی دانشجویان‏ انتخاب شده به عنوان مشاوران رئیس برای سال 2001 توسط نامه تا 15 نوامبر 2000 به اطلاع همگان خواهد رسید.

بقیه از صفحهء 3

ارزش ذاتی منبع فناپذیر،هزینه تمام شده،چارتر جهانی انرژی،توسعهء پایدار و تلاش در جهت جلوگیر از آسیب‏پذیری اقتصادی کشورهای عضو در مقابل شوکهای نفتی به طور انفرادی و دسته‏جمعی.

4)همکاری و هماهنگی در جهت منضبط نمودن برنامه‏های توسعه‏ ظرفیت تولید نفت اعضاء و همکاری در زمینه تأمین فن‏آوری و منابع مالی‏ مورد نیاز این برنامه‏ها.

5)همکاری با سایر تولیدکنندگان نفت در جهان در جهت هماهنگی‏ سیاستهای نفتی و حمایت از سهم نفت در سبد انرژی جهان.

6)اقدام جمعی در مقابله با سیاستهای تبعیضی که بر علیه نفت خام و فرآورده‏های آن اعمال می‏شود.

7)اقدام جمعی جهت مقابله با پدیده‏ها و ساختارهایی که گردش آزاد و شفافیت بازار نفت را مخدوش می‏کند.

ملاحظات مربوط به اهداف پیشنهادی

1-مورد اول فوق الذکر در اساسنامه فعلی نیز موجود است و اصلی کلی‏ و غیرقابل‏تغییر است که همه اعضاء نیز بر روی آن توافق دارند.

2-سهم بازار مناسب برای نفت باید در سبد انرژی دنیا دیده شود زیرا سیاست‏های مصرف‏کنندگان به‏ویژه در چارچوب IEA به دنبال کاهش‏ سهم نفت در سبد انرژی است که باید از آن حمایت گردد.

3-منطق یشدن قیمتها از ثبات آنها به مراتب ارجح‏تر است.

4-شوکهای نفتی کاهش با توجه به وابستگی شدید کشورهای عضو اوپک به درآمدهای نفتی و اینکه اکثر آنها تک‏محصولی هستند از یک‏سو و شوکهای نفتی افزایش یک هدر بلندمدت باعث وارد شدن تولیدکنندگان‏ جدید،افزایش عرضه و سقوط مجدد قیمتها می‏شود،هردو به اقتصاد کشورهای عضو اوپک آسیب می‏رسانندو باید از وقوع آنها جلوگیری نمود.

5-افزایش بی‏رویه ظرفیتها به‏ویژه در کشورهای اوپک که هزینه نهایی‏ تولید در بین آنها پایین است می‏تواند باعث جنگ قیمتها و رقابت شدید بین‏ اعضا در آینده شود ولی اگر این ظرفیتها در چارچوب همکاریهای درون‏ سازمانی توسعه یابد می‏تواند در آینده جهت کنترل بازار نفت به کار گرفته‏ شود.

6-در سالهای اخیر به‏ویژه در طول چند دهه کاهش مستمر عرضه نفت‏ اوپک،لزوم هماهنگی و همکاری با سایر تولیدکنندگان نفت به‏ویژه روسیه، مکزیک و نروژ آشکار گردیده و در واقع در اهداف جدید اوپک باید بازیگران جدیدی که در سالهای اولیه تشکیل اوپک حضوری جدی در بازار نفت نداشته‏اند نیز در نظر گرفته شوند.

در هرحال به نظر ما تداوم بقاء و حیات یک سازمان و استمرار موفقیت‏ آن مستلزم قدرت و اراده برای مهندسی مجدد و تطبیق خود با شرایط متحول محیطی است،هرچند از اجلاس سران اوپک که جایگاه حقوقی‏ روشنی نداشته و پس از 25 سال برای دومین بار تشکیل جلسه می‏دهند چنین تجدیدنظری را نمی‏توان انتظار داشت،اما بدون شک از جایگاه رفیع‏ رهبری کشورهای عضو اوپک آن هم در شرایطی که سازمان در موقعیت‏ مطلوب و مناسبی قرار داشته و چهل سال تجربه متراکم و ذیقیمت را پشت‏ سر دارد،می‏توان زمینه‏ها و مقدمات مناسبی را برای تداوم قوی‏تر حیات‏ اوپک و توفیقات بیشتر سازمان فراهم نمود.البته باید توجه داشت که‏ بهره‏گیری از تجربیات گذشته تنها زمانی امکان‏پذیر است که جسارت لازم‏ برای نقادی این تجربیات وجود داشته باشد.